

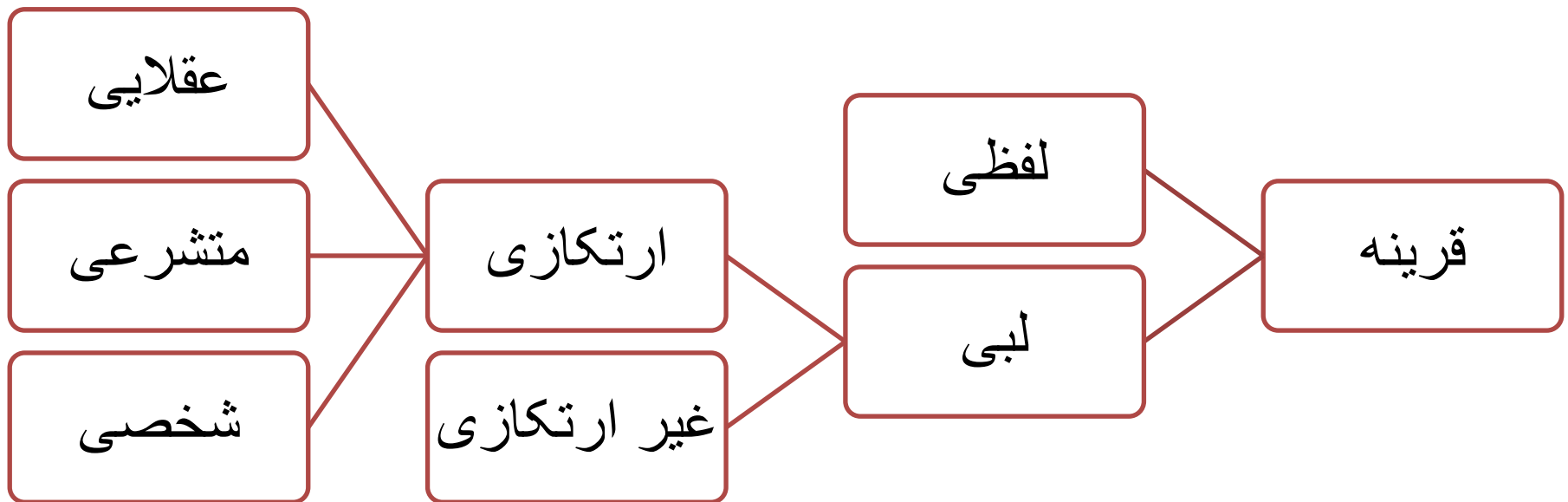
علم أصول الفقه

٢٨

اوامر ٢٣-٨-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

موانع ظهور امر در وجوب



دلالت امر بر مره با تکرار

- دلالت امر بر مره با تکرار
- این بحث در دو سطح مطرح می شود: سطح اول اینکه آیا مره و تکرار جزء موضوع له امر است یا نه و سطح دوم اینکه اگر مره و تکرار جز موضوع له امر نیست، آیا اطلاق امر اقتضایی نسبت به مره یا تکرار دارد یا خیر.

دلالت امر بر مره با تکرار

- وقتی مولا امر می‌کند، آیا این امر ظهور دارد در اینکه مأمور یک بار مأمور به را اتیان بکند یا چند بار؟ به تعبیر دیگر آیا مره و تکرار جزء مدالیل امر هستند؟ آیا امر برای یکی از این دو وضع شده است؟

دلالت امر بر مره با تکرار

- طبق بحثی که کردیم هیأت امر بر نسبت ارسالیه دلالت می‌کند و در موضوع له یا مدلول مطابقی آن نه مره وجود دارد و نه تکرار. پس این قسمت از سؤال واضح است که مره و تکرار جزء موضوع له امر نیستند.
- به همین دلیل اگر امری صادر کنیم و مقید کنیم به مره یا تکرار، هیچ مجازیتی لازم نمی‌آید؛ مثلاً اگر بگوییم «صل مرة» یا «صل مکرراً» مدلول صل هیچ فرقی در دو حالت نمی‌کند.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اما اگر مثلاً مره جزئی از موضوع له بود، یک نوع تفاوتی احساس می‌شد و مکرراً قرینه می‌شد که «صل» در موضوع له خودش استعمال نشده است.
- ما وجداناً چنین تفاوتی را نمی‌یابیم و این مقدار اختصاصی به زبان عربی ندارد.
- در زبان‌های دیگر مثل فارسی هم وقتی می‌گوییم «نماز بخوان یک بار» و بعد بگوییم «نماز بخوان چند بار» در معنای «نماز بخوان» تغییری احساس نمی‌کنیم.

دلالت امر بر مره با تکرار

- با فرض اینکه مره و تکرار جز موضوع له امر نیستند، آیا اطلاق امر اقتضای مره دارد یا تکرار یا هیچ یک؟ مقصود از اطلاق امر یعنی اینکه امر صادر شود و هیچ قرینه‌ای دال بر مره یا تکرار وجود نداشته باشد؛ برای مثال صرفاً مولا بگویند: «صل» و قید «مرة» یا «مرات» نیامورد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- با مراجعه به وجدان لغوی خودمان می بینیم در جایی که پدری به فرزندش می گوید نان بخر و نمی گوید یک بار یا صد بار، وقتی این فرزند یک بار نان خرید، احساس می کنیم به امر اتیان کرده است.
- در مولای شرعی هم همین طور است. وقتی مولا به عبد خودش می گوید نماز بخوان و او یک بار نماز خواند، به امر اتیان کرده است. بنابراین وجدان لغوی اقتضا می کند که اطلاق امر دال بر مره باشد و با یک بار اتیان مأمور به، امر امتثال شود.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اکنون به این مثال توجه کنید. اگر در زبان فارسی رئیسی یا مولایی به عبدی یا مرئوسی بگوید: ~~عالم را دانشمند را اکرام کن~~
- و این عبد یا مرئوس با عالمی برخورد کند و او را اکرام کند، آیا به این امر اتیان کرده است؟
- اگر عالم دیگری پیدا شد آیا همچنان وظیفه‌ای دارد؟

دلالت امر بر مره با تکرار

- اگر به ذوق لغوی و عرفی خودمان و فهمان از این نوع عبارات مراجعه کنیم، می بینیم که این شخص با هر عالم و دانشمندی که برخورد کند، باید وی را اکرام کند و اینکه یکی از عالمان را اکرام کرده باشد، باعث نمی شود که دیگر نسبت به بقیه عالمان وظیفه ای نداشته باشد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اکنون همین فهم عرفی را در قالب اصطلاحات اصولی بیان می‌کنیم. برای اینکه بحث ما ساده شود ما اصطلاح موضوع و متعلق را به کار می‌بریم و مقصودمان از متعلق اکرام و از موضوع عالم است.
- «أکرم العالم» نه در ناحیه متعلق امر اشاره‌ای به مره و تکرار کرده است و نه در ناحیه موضوع امر، بلکه فقط با تعبیر کلی بدون اشاره به مصداق یا مصادیقی خاص، اکرام را مطالبه کرده است و شخص را به سوی طبیعت اکرام در جایی که طبیعت عالم تحقق دارد، ارسال می‌کند.

دلالت امر بر مره با تکرار

- در اصطلاح گفته می‌شود اطلاق در ناحیه متعلق مفید بدلیت است و در ناحیه موضوع مفید شمولیت؛
- یعنی معنای گزاره «أكرم العالم» به اقتضای اطلاق این است که هر عالمی را به شکلی از اشکال اکرام کن.
- چرا مقتضای اطلاق در موضوع و متعلق با یکدیگر فرق می‌کند؟ اصولی‌ها کمتر به این سؤال پرداخته‌اند.

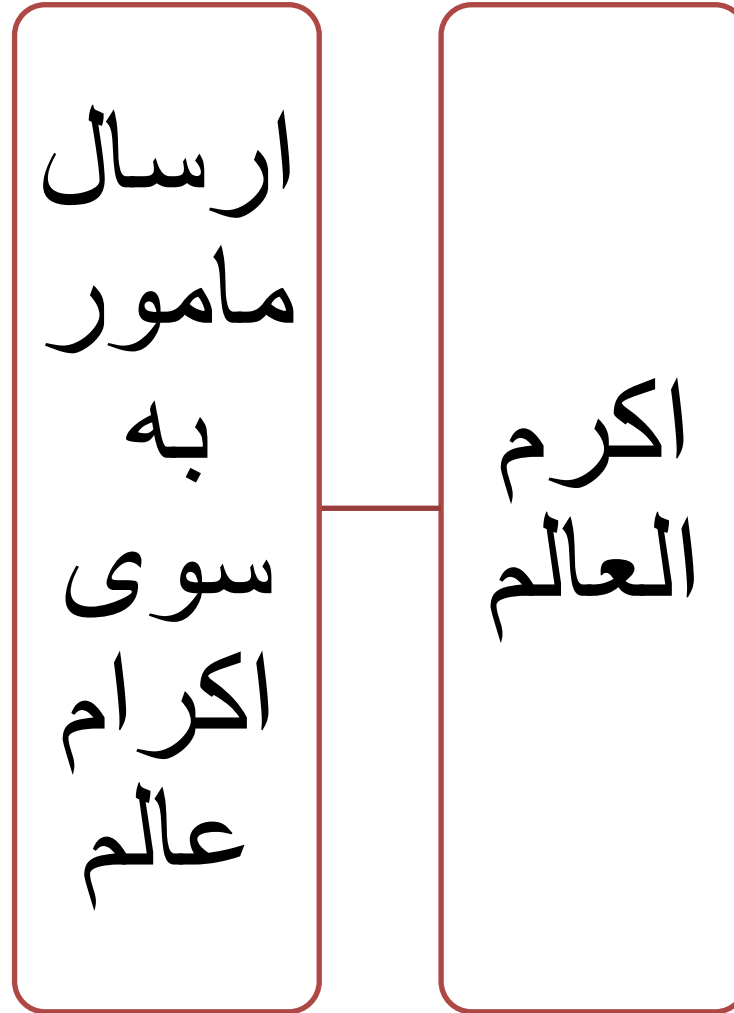
دلالت امر بر مره با تکرار

- تا قبل از این سؤال ما به دنبال کشف یک ظهور بودیم و بحث ما یک بحث لغوی اکتشافی بود.
- شهید صدر - رضوان الله عليه - یک مقدار جلو تر می رود که این جلو تر رفتن خروج از بحث اکتشافی است.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اینکه چرا اطلاق دو نوع اقتضا دارد، یک بحث فلسفی - تحلیلی است. البته این تحلیل برای فهم اطلاق و موارد مشابه به ما کمک می‌کند. شهید صدر - رضوان الله علیه - در اینجا تحلیلی می‌کنند که خیلی مطلب ساده‌ای است ولی همین مطلب ساده با همه سادگی اش مبهم است.

دلالت امر بر مره با تکرار



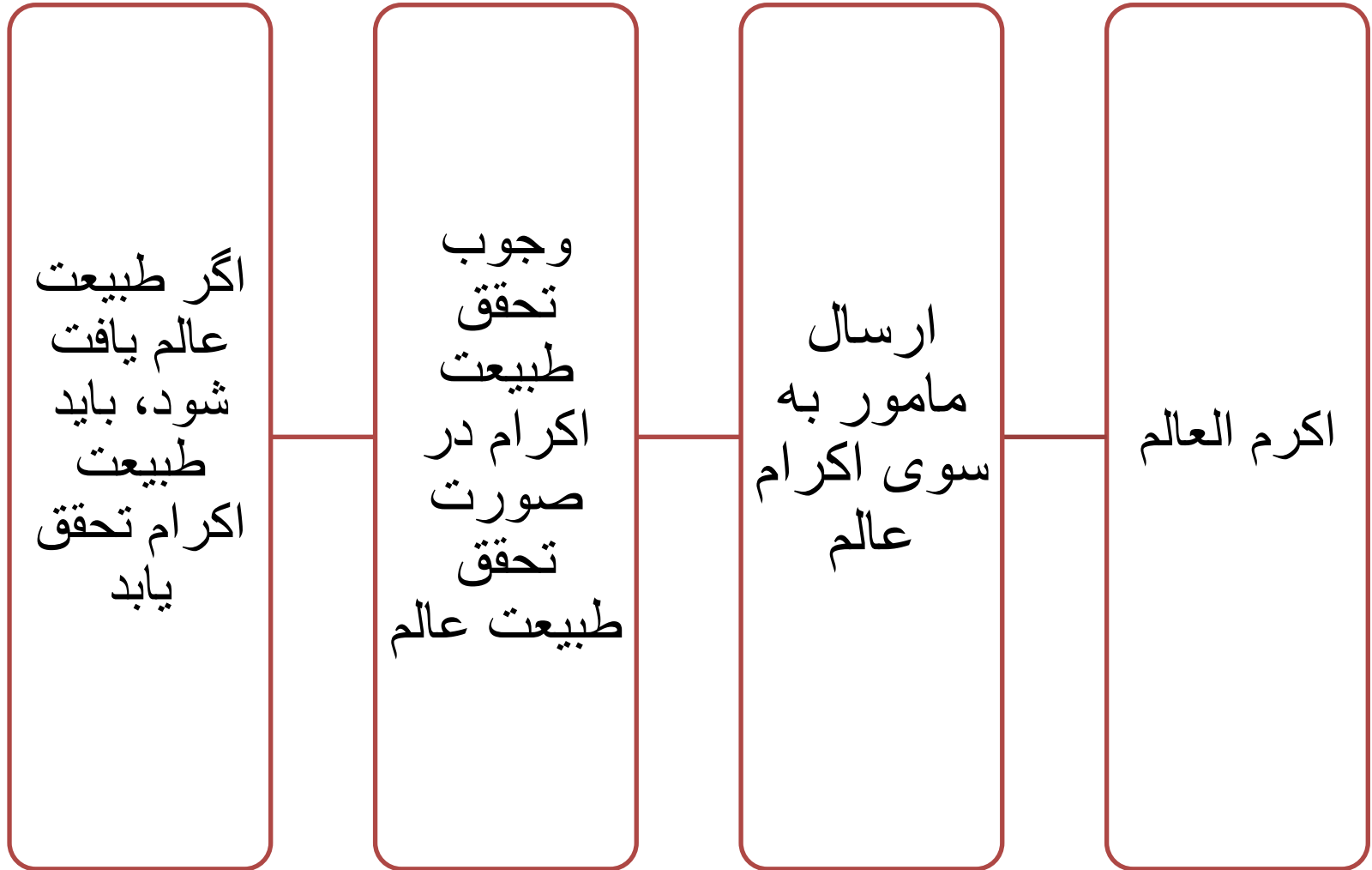
دلالت امر بر مره با تکرار

وجوب
تحقق
طبیعت
اکرام در
صورت
تحقق
طبیعت
عالم

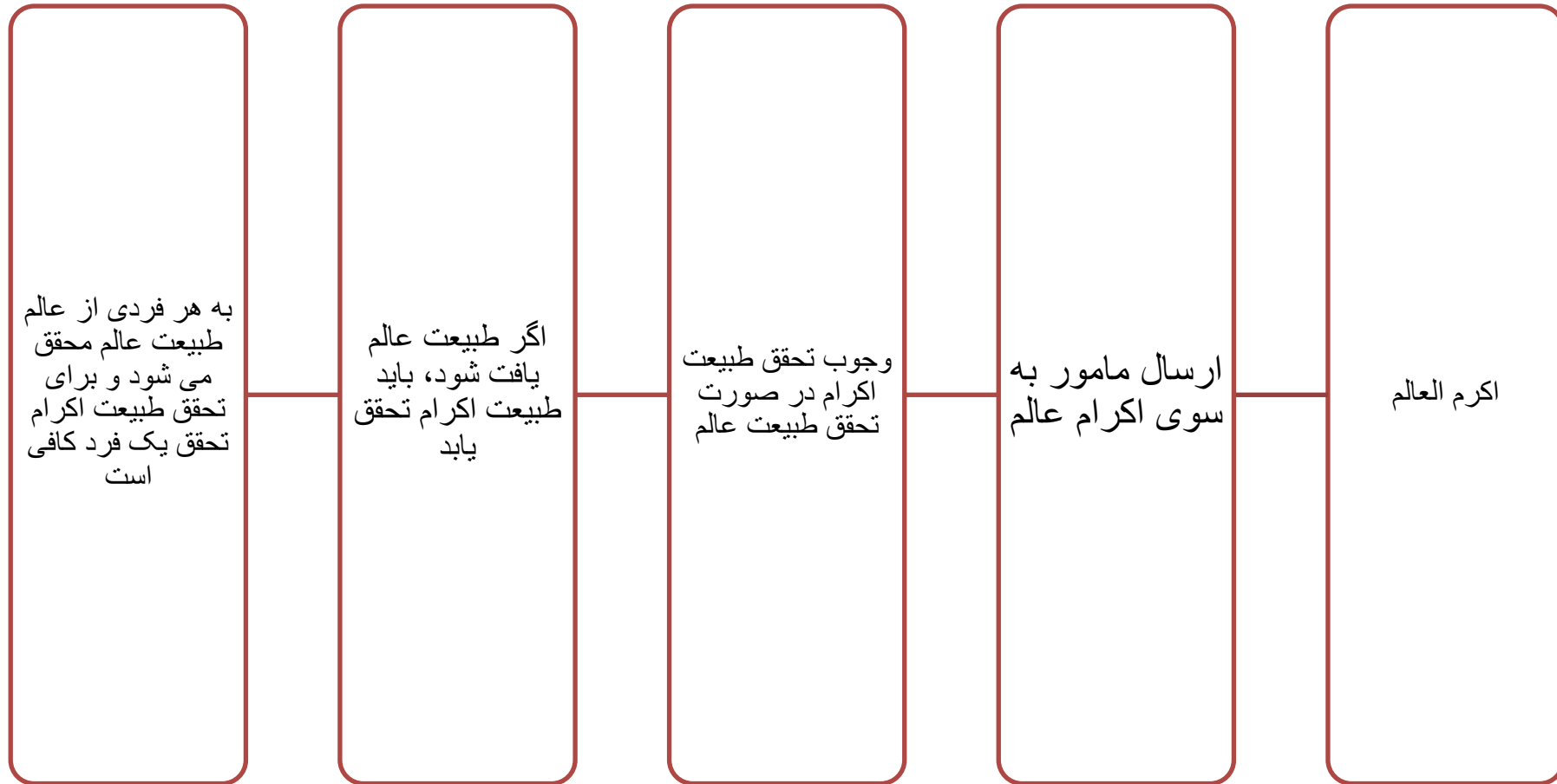
ارسال
مامور به
سوی
اکرام عالم

اکرام
العالم

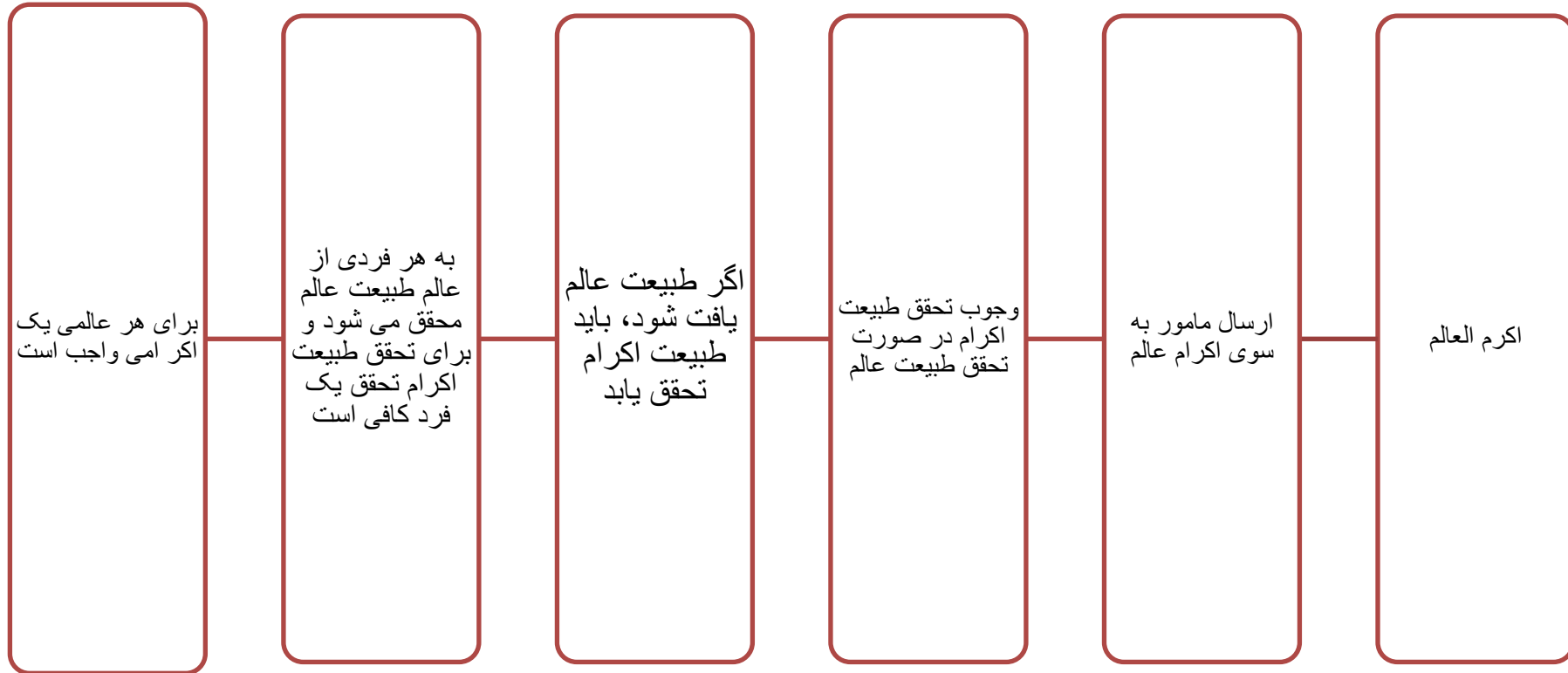
دلالت امر بر مره با تکرار



دلالت امر بر مره با تکرار



دلالت امر بر مره با تکرار



دلالت امر بر مره با تکرار

- ایشان می فرمایند تفاوت دو نوع اقتضا به تفاوت نگاه در موضوع و متعلق برمی گردد. تفاوت در این است که موضوع وجودش فرض می شود و متعلق وجودش مطالبه می شود؛ یعنی در **أكرم العالم مولا** فرض می کند که عالمی وجود داشته باشد و آنگاه از شما می خواهد که اکرام را تحقق ببخشی.

دلالت امر بر مره با تکرار

- به اصطلاح فنی موضوع مفروض الوجود و متعلق مطلوب الوجود است.
- گویا مولا این طور گفته است: «اگر طبیعت عالم تحقق پیدا کرد، آن گاه تو طبیعت اکرام را محقق کن». گویا یک گزاره شرطی داریم که شرطش وجود موضوع و جزائش طلب وجود متعلق است. در ناحیه موضوع نمی گوید برو عالم را ایجاد کن. مکلف هیچ مسئولیتی در این قسمت ندارد اما در ناحیه متعلق فرض وجود اکرام نشده است، بلکه وجود آن مطلوب است. اگر اکرام هم وجود داشت، طلب امر حاصل می شد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- می دانیم موضوع له «العالم» چیزی بیش از طبیعت عالم نیست. آن الف و لام هم در واقع بیان این طبیعت است. ماده اکرم هم بر طبیعت اکرام دلالت می کند و یکی یا چند تا در مدلول وضعی آن وجود ندارد. طبق آن گزاره شرطی هر جایی که ما با عالم برخورد کنیم، شرط محقق می شود، در نتیجه جزاء در پی آن می آید. بنابراین اگر با وجود زید که علم دارد، برخورد کردم، آن گزاره می گوید باید اکرام او را محقق کنم و با وجود هر فرد دیگری از افراد طبیعت عالم نیز برخورد کردم، باید آن طبیعت اکرام را محقق کنم.

دلالت امر بر مره با تکرار

- به همین جهت گفته اند اطلاقِ موضوع، اقتضای شمولیت و استغراق می کند.

دلالت امر بر مره با تکرار

- اما در ناحیه متعلق مولا از من می خواهد که طبیعت اکرام را تحقق ببخشم و وجود طبیعت به وجود فردی از افرادش حاصل می شود؛ یعنی اگر من یکی از افراد طبیعت اکرام را محقق کنم، طبیعت اکرام تحقق پیدا کرده است و مسئولیت من بیش از این نیست.

دلالت امر بر مره با تکرار

- به همین جهت گفته‌اند اطلاق متعلق، اقتضای بدلیت دارد.
- البته باید توجه داشت که چون در قسمت شرط شمولیت و استغراق است در عمل تکلیف اکرام دائماً تکرار می‌شود و با دیدن هر فرد از طبیعت عالم، اتیان یک فرد از طبیعت اکرام متوجه مکلف خواهد شد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- ممکن است سؤال کنید که اگر یک فرد از عالم را یک بار اکرام کردم، آیا در برخورد بعدی هم باید او را اکرام کنم؟
- در پاسخ می‌گوییم این مسلم است که طبیعت عالم با وجود هر فرد از افراد آن طبیعت هر چند در برخوردهای مختلف، مجدداً موجود می‌شود و طبق آن گزاره شرطی اتیان یک فرد از طبیعت اکرام بر عهده خواهد آمد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- همة نکته برمی گردد به نوع نگاه نسبت به موضوع که امری مفروض الوجود لحاظ شده است و گر نه در ناحیه موضوع و در ناحیه متعلق هیچ مدلول لفظی و وضعی که دلالت بر شمولیت یا بدلیت کند، وجود ندارد.

دلالت امر بر مره با تکرار

- عین این بحثی که درباره امر، متعلق و موضوع آن گفتیم، در موضوع و محمول گزاره‌های خبری هم صادق است.
- وقتی می‌گوییم «النار حارة»، اطلاق در ناحیه^{۲۶} موضوع یعنی «النار» مفید شمولیت و در ناحیه^{۲۶} محمول یعنی «حارة» مفید بدلیت است.

دلالت امر بر مره با تکرار

- گویا من به لحاظ مدلول اطلاقی گفته‌ام «هر آتشی فردی از افراد حرارت را دارد». در حقیقت یگ گزاره شرطی در آنجا است که می‌گوید «اگر طبیعت آتش موجود شد، طبیعت حرارت هم در آن وجود خواهد داشت».

دلالت امر بر مره با تکرار

- موضوع در اینجا مفروض در نظر گرفته شده است به این معنا که هر بار که فردی از آتش تحقق پیدا می‌کند، طبیعت آتش محقق می‌گردد. در ناحیه محمول هم بدلیت مطرح است. طبیعت حرارت به وجودی فردی از حرارت موجود می‌شود.

دلالت امر بر مره با تکرار

- به همین دلیل گزاره «النار حارة» بیان می‌کند که هر آتشی به نحوی از انحاء داغ است اما بیان نمی‌کند که هر آتشی هر درجه ای از حرارت را دارد؛ چون در ناحیه حارة شمول را بیان نمی‌کند و در ناحیه موضوع هم بدلیت را بیان نمی‌کند و نمی‌گوید یکی از آتش‌ها حرارت دارد و بقیه ندارند، بلکه می‌گوید هر آتشی این چنین است.

دلالت امر بر مره با تکرار

- متکلم نه در موضوع و نه در محمول هیچ اشاره‌ای به هر یا یکی نکرده است و ما این نکته بدلیت و شمولیت را از اطلاق و اینکه نگفته است، برداشت می‌کنیم.
- شهید صدر - رضوان الله علیه - بعد از توضیح این بحث اموری را به عنوان نتایج بحث ذکر کردند.

دلالت امر بر مره با تکرار

- ۱. شمولیت در «أكرم العالم» به لحاظ عالم تطبیق است نه به لحاظ عالم جعل؛ یعنی این طور نیست که مولا برای هر عالمی یک وجوب اکرامی را قرار داده باشد، بلکه در واقع مولا یک جعل و اعتبار کلی بیشتر ندارد و آن اعتبار وجوب اتیان طبیعت اکرام برای طبیعت عالم است اما از آنجا که به هر فردی از افراد عالم، طبیعت عالم تحقق پیدا می‌کند، باید برای هر یک از افراد عالم، یک فرد از طبیعت اکرام را محقق کنیم. این باید، بدان معنا نیست که برای هر یک از این عالمان یک وجوب جداگانه‌ای توسط مولا جعل شده است.

دلالت امر بر مره با تکرار

- ۲. طبیعت اولی اطلاق اقتضای شمولیت یا بدلیت دارد اما ممکن است مانعی از این اقتضا پیدا شود؛ مثلاً اگر مولا به جای «أكرم العالم» بگوید «أكرم عالماً» یعنی الف و لام بیانگر طبیعت را نیاورد و تنوین بیاورد، اطلاق اقتضای خود را از دست می دهد. در واقع تنوین در اینجا مانع شمولیت می شود، بلکه مفید بدلیت خواهد بود. بنابراین «أكرم عالماً» این مقدار بیان می کند که اگر با فردی از افراد عالم برخورد کردیم، باید اکرام کنیم و با اکرام یک فرد از افراد عالم به وظیفه عمل شده است و برای فرد دوم دیگر وجوب اکرامی در کار نیست. علت آن است که تنوین دلالت بر تنکیر می کند و این تنکیر ظهورش در بدلیت است و در واقع تنوین در اینجا مفید قید وحدت خواهد بود.